



### مهندس، مثال انسان دوره جدید است

اگر من در مجلسی بودم که قرار بود نام کسی با روز مهندسی قرین شود با نام نصیرالمدین طوسی موافقت نمی‌کردم. تصور نشود که به نصیرالمدین احترام نمی‌گذارم؛ وی یکی از بزرگان تاریخ ما و یکی از جامع‌ترین اصحاب علم در همه زمانهاست. اصلاً بالاتر بگویم که نصیرالمدین یک اعجوبه است. نصیرالمدین منجم، ریاضی‌دان، طبیب، فیلسوف و سیاست‌مدار و فقیه و متکلم و عالم به عرفان نظری است و البته از مهندسی زمان خود - می‌دانید که مهندسی آن زمان با مهندسی الان شما تفاوت دارد - نیز اندکی بهره داشته است. پس او در جداول مهندس نیست، بلکه فیلسوف و طبیب و منجم و سیاست‌مدار است، ولی این نام‌گذاری در اینجا یک حسن بزرگ برای شخص من دارد که آن را بهانه کنم و بپرسم.

میان فلسفه و مهندسی چه ارتباطی است؟ ظاهراً هیچ. بعضی از استادان ما نیز خیلی از دیالوگ بین علوم استقبال نمی‌کنند اما این فرهنگستان - آن طور که من تصور می‌کنم - تنها جایی است که دانشمندان همه رشته‌های علمی در کنار هم می‌نشینند و می‌توانند با هم حرف بزنند و بحث کنند. به هر حال هر کسی به تناسب علم خود حرف می‌زند و در کشور فحوا و لحن کلام خودش را دارد.

به نسبت فلسفه و مهندسی پردازیم. همه ما فیلسوفیم. اگر فیلسوف نبودیم، درس نمی‌خواندیم. اگر درس خواندیم و به این جایی که هستیم، رسیدیم یعنی طلب و پرسش داشتیم. فیلسوف کسی است که

طلب دارد و پرسش می‌کند. دنیای ما اقتضایش تخصص است؛ اما در همان تخصصش می‌پرسد و الاان دنیای ما طوری است که معنای تخصص نیز در حال عوض شدن است. یکی از اساتید اشاره کردند که مهندسی در حال تبدیل شدن به علم است. درست است هم مهندسی دارد علم می‌شود و هم علم مهندسی می‌شود. پنجاه سال پیش نه بیوتکنولوژی به این صورت بود و نه بیوفیزیک و بیوشیمی . . . یعنی ایده آل وحدت علم که فیلسوف بنیان‌گذار فلسفه جدید یعنی دکارت در نظر داشت، در حال تحقق یافتن است، البته هنوز ما دوریم از این که از وحدت علم بگوییم ولی به هر حال دنیای ما در حال نزدیک شدن به این وحدت است. همه فیلسوف هستند، برای اینکه طلب علم می‌کنند و دوست‌دار دانش هستند. این پرسش و طلب تاملی ندارد و نمی‌توان گفت که روزی می‌رسد که همه‌ی پرسش‌ها را جواب می‌دهیم و دیگر پرسشی نخواهیم داشت. آدمی - و فقط آدمی - تا هست، پرسش و طلب دارد و بنابراین فیلسوف است.

نکته دیگر اینکه تاریخ ادوار دارد. غربی‌ها با مللک‌ها و موازین خودشان تاریخ را تقسیم کردند ما هم بیشتر با آن مللک و ضابطه و با همان تقسیم آشنا هستیم. تاریخی که الاان در آن زندگی می‌کنیم، تاریخی است که از یونان شروع می‌شود. وقتی که از تاریخ قدیم می‌گویند، مرادشان چین و هند و ایران نیست، بلکه منظورشان یونان است زیرا می‌گویند سرچشمه فکر و علم و سیاست ما از یونان است و درست هم می‌گویند در هر دورانی از تاریخ - با هر تقسیم‌بندی‌ای - بشر مثالی دارد. یعنی یک آرکتیپی هست، البته امروز بیش‌تر از واژه‌ی «پارادایم» استفاده می‌کنند. پارادایمی هست که انسان را در آن می‌بینند.

یونانیان نزدیک‌ترین موجود به خدایان را پهلوانان می‌دیدند. آرکتیپ انسان در زمان یونانیان، پهلوانان بودند. مثال آدمی هرکول بود. در قرون وسطی و در دوره‌ی اسلامی ما، قدیسان، مثال بودند. انسان بزرگ و انسان مثالی، انسان قدیس است؛ و لکم فی رسول الله اسوه حسنه. وقتی به دوره جدید می‌رسیم، تکان شدیدی در عالم انسانی حاصل می‌شود که ما معمولاً آن را چنانکه باید خیال می‌کنیم همه دوران‌ها این‌طور بوده است که هست و همیشه مردمان چنان فکر می‌کرده‌اند که امروز در قرن بیست و یکم فکر می‌کنند. از قرن هفدهم و هجدهم در اروپا، تفکر تکان‌عظیمی خورده است و تلقی انسان، دگرگونی عجیبی پیدا کرده است. در این دوران است که انسان وظیفه سازندگی ه عهده می‌گیرد و به این جهت مثال انسان، مهندس است یا لاقول شأن اصلی انسان را مهندسی می‌دانند و البته این طرح فلسفه بوده است.

فلسفه می‌گوید که انسان کیست و انسان چیست؟ افلاطون می‌گفت که انسان، فیلسوف است. انسان، مشق مُردن می‌کند؛ اما در دوره جدید که از مشق مردن نمی‌گویند در این دوره دیگر زندگی و فکر کردن مشق مردن نیست، بلکه زندگی، دگرگون کردن جهان و تغییر آن است. بشر مأموریت دارد که جهان را دگرگون کند و خود اداره و تدبیر کند؛ این کار، کار مهندس است. درست است که مهندس با پشتوانه و پشتیبانی، کار می‌کند ولی وقتی وارد میدان می‌شویم، می‌بینیم که کار را مهندس انجام می‌دهد. تغییر جهان را کانت و هگل و مارکس گفتند. این‌ها گفتند فلسفه‌ای که جهان را تفسیر می‌کند پایان یافته و فلسفه و علم باید جهان را تغییر بدهد و پیداست که این تغییر به دست مهندسان انجام می‌شود. نکته دیگر هم بگویم و سخن را پایان دهم. این مجلس که برای بزرگداشت مهندسان موفق برگزار شده است برای صرف اعطای جایزه تقدیر نبوده است ما که بضاعت مالی چندان نداریم که جایزه‌ای در خور مقام استادان و مهندسان عالی‌مقام به آنان تقدیم کنیم یا می‌خواهیم به ضرورت ارتباط میان دانشگاه و زندگی و جامعه تأکید کنیم و به این جهت از ابتدا که کار را شروع کردیم از مهندسان تجلیل کردیم که کارهای مهم و اساسی در کشور انجام می‌دهند و کاش روزی برسد که علم

در کشور ما یکسره کارسازی و مشکل گشایی باشد البته در آن صورت تحقیقات نظری نیز جایگاه  
والماتری پیدا می کنند و قدرشان بیشتر معلوم می شود.